

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه پایانی قرن بیستم، تغییرات بنیادی و عمده‌ای در حوزه‌های معرفتی و شناختی جوامع علمی و سیاسی به دنبال داشت. یکی از مفاهیم نوینی که بعد از این فروپاشی در عرصه روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک جهت تحلیل مسائل راهبردی و بین‌المللی و رقابت قدرت‌ها از آن بهره می‌برند رویکرد ژئواکونومیک است. «لدوارد آن لوتواک» در سال ۱۹۹۰ پارادایم ژئواکونومی را از مفهومی گسترده وارد روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با تحلیل‌های کلان بین‌المللی کرد. این متفکر خیر از فرآمدن نظام نوین بین‌المللی در دهه ۹۰ داد که در آن مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و ژئواستراتژیک می‌شوند.

به عقیده وی، عامل منازعات و درگیری‌ها در قرن حاضر (بیست‌ویکم) دیگر موضوعات قرن گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی خودنمایی و رخ می‌نماید. در قرن حاضر انرژی بویژه نفت و گاز به‌عنوان روح ژئواکونومیک در فرآیند توسعه، تعیین امنیت و ایجاد کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش‌آفرین شده است. با تحول گفتمان سنتی ژئواستراتژیک به گفتمان نوین، انطباق بین قلمروهای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک در دهه‌های اخیر و ایفای نقش برتر اقتصاد بر مسائل نظامی در عرصه مناسبات جهانی، نفت به‌عنوان خون صنعت مدرن، هم‌اکنون مهم‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین ماده خام در تمدن صنعتی جهان در مقایسه با سایر عوامل قدرت است و از جایگاه بالاتری برخوردار شده است. خلیج‌فارس به لحاظ موقعیت ممتاز جغرافیایی و قرار گرفتن در مسیر خطوط دریایی اقیانوس هند، دریای عمان، دریای سرخ و دریای مدیترانه و اتصال آن‌های آن به سواحل ایران، بین‌النهرین (عراق) و شبه‌جزیره عربستان، از قدیم‌الایام نقش بسزایی در همکاری، رقابت و کشمکش اقتصادی میان شرق و غرب داشته است. امروز بخش بزرگی از تولیدات قابل صدور ذخایر انرژی در منطقه «هلال استراتژیک خلیج‌فارس – دریای خزر» قرار دارد و اهمیت این مناطق ژئواکونومیک به دلیل سیر نزولی ذخایر نفت و گاز سایر مناطق جهان رو به افزایش است. خلیج‌فارس به لحاظ نظر به‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست که به خاطر منابع انرژی، فضای ژئوپلیتیکی و منابع ژئواکونومیکی جایگاه مهمی را برای ایفای نقش بازیگران در قالب همکاری، رقابت، کشمکش و منازعه فراهم می‌کند.

بدین سان حضور مداوم قدرت‌ها و بازیگران جهانی موجب شده خلیج‌فارس در کلون اهمیت جهانی قرار بگیرد. تا سال ۲۰۲۵ کشورهای حوزه خلیج‌فارس ۴۴۴ میلیون بشکه نفت در روز به جهان صادر خواهند کرد، یعنی دو برابر صادرات کنونی آنان خواهد بود، با توجه به میزان صدور نفت امروز این منطقه از تنگه هرمز که تقریباً ۱۵ تا ۱۶ میلیون بشکه است، در ۲ دهه آینده اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خلیج‌فارس دوچندان خواهد شد. از این رو، کشمکش و رقابت بر سر دستیابی به منابع نفت منطقه با توجه به رشد اقتصاد جهانی و تحولات روزافزون برای این منبع انرژی دو چندان خواهد شد و اهمیت ژئواکونومیک حوزه خلیج‌فارس و وزن استراتژیک کشورها با توجه به منابع و ذخایر انرژی و قدرت تأثیرگذاری آنان بر عرصه بین‌المللی افزایش می‌یابد. به همین علت بی‌دلیل نیست که این منطقه بیش از هر منطقه ژئواکونومیک دیگری در معرض سلطه‌گری و دخالت‌های بیگانگان قرار می‌گیرد. در این میان کشور هند در سال‌های اخیر به‌عنوان بازیگری جدید در تجارت نفت ظهور کرده و به‌نظر می‌رسد منافع اقتصادی خود را از این منطقه تأمین می‌کند.

■ **ژئواکونومیک**

منطق اقتصادی که مدتی طولانی به سبب رقابت‌های شرق و غرب و توازن قوای بازدارنده، فراموش شده بود، اکنون در تحلیل روابط انسانی و فضایی پیرامونی او یعنی در تحلیل وضعیت ژئوپلیتیک نقش مهمی را ایفا می‌کند. ظهور واژه جدید ژئواکونومیک که در چارچوب آن روابط میان انسان در مقام بازیگر اقتصادی با فضایی که در آن تحول می‌یابد مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد، موجب شد برخی سیاست‌پردازان از این مفهوم تعبیر جنگ اقتصادی کنند و از این طریق بر نقش اقتصاد در تحلیل سیاست‌دولت‌ها تأکید کنند البته موضوع مطرح‌شده به معنای کل و فصل انسان جهانی و به اختلافات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی میان دولت‌ها و ملت‌ها نیست، زیرا بحران‌ها و اختلافات ژئوپلیتیکی از تاووم و پایداری نسبی برخوردار بوده و به‌سادگی قابل حل و فصل نیستند. ناگفته نگذیریم که در این زمینه بویژه داده‌های مادی واقع‌گرایانه با عقایدی از هر نوع پیرامون یک موضوع یا پدیده‌ای که به بازنمایی مبروفند، پراحتی از ادهان و تفکر جامعه و دولتمردان زوده نمی‌شود اما به نظر می‌رسد نتایج مهمی در تحقق اقتصاد و تجارت قادر به اداره امور دنیا خواهد بود که با کاهش اهمیت برخورداری از قدرت نظامی، رقابت واحدها دارای ماهیتی صرفاً اقتصادی باشد. این قدرت‌ها هستند که سیاست‌های اقتصادی را در فضا نظام جهانی (اعمال و رهبری می‌کنند و برآیند این فرآیند ژئواکونومی است که به‌عنوان پدیده‌های سیال جهت پوشش دادن به فضای جدید، روابطی در نظام جهانی و روشی برای توجیه و تحلیل سیاست‌های جهانی اکثر قدرت‌های غربی درآمده است. از حیث معرفت‌شناسی برخی متخصصان مسائل راهبردی بر این باورند این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک یا در برابر ژئوپلیتیک است بلکه ژئواکونومی جزئی از قلمرو دانش ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های نوین ژئوپلیتیک در عصر حاضر است. البته ژئواکونومی را مانند دیگر زیرمجموعه‌های ژئوپلیتیک (ژئواستراتژی، هیدروپلیتیک و…) نمی‌توان بحث جداگانه‌ای از میحث مادر دانست، چرا که هر یک از این مباحث قرائت ویژه خود را از ژئوپلیتیک ارانه می‌دهد یعنی آنجا که اقتصاد انگیزه رقابت‌های قدرتی است، ژئوپلیتیک قرائتی اقتصادی از شرایط موجود را ارائه می‌دهد و جنبه ژئواکونومیک به خود می‌گیرد، بنابراین ژئواکونومی اثرگذاری عوامل یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای و جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثر گذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

■ **چشم‌انداز ژئواکونومیک منطقه خلیج فارس**

هم‌زمان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یکی از قطب‌های نظامی – سیاسی قدرت سرد و پایان رقابت‌های ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک گذر بزرگ و جهانی پس از ۴ دهه رقابت در زمان جنگ سرد، مناطق سه‌گانه ژئواکونومیکی نوینی به رهبری آمریکا، آلمان و ژاپن در ۳ منطقه جغرافیایی جهان ظهور یافته‌اند که این موضوع مهم نشان‌دهنده گذار جهان



رهیافتی از گسترش تعاملات هندوستان با جمهوری اسلامی ایران

بازیگران نوظهور خلیج فارس

- محمود نورانی*

به قدرت ژئوپلیتیک با مؤلفه‌های ثابت به ژئواکونومیک سیار است. مجموعه این تحولات حکایت از بنیان اقتصادی – سیاسی نوینی در عرصه بین‌المللی دارد که در اوایل قرن فعلی، از سرعت و شدت و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار شده است. پس از گذشت یک دهه و اندی، جهان شاهد مناطق و کشورهایی دیگر است که در این مسیر و تفکر، گام‌های بلندی برداشته‌اند که می‌توان از چین، هند و کشورهای شرق آسیا نام برد. در این فضای جدید جهانی شدن، مناطقی مانند آفریقای مرکزی و حتی روسیه از نقش قابل توجهی برخوردار نیستند. این تحولات به معنای آن است که جهان به سمت مناطقی با محوریت ژئواکونومیک در حال حرکت است. به این ترتیب جهانی شدن دارای یک هویت جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی بسیار قوی و پرودام است که فرآیند جهانی شدن در بطن آن انجام می‌گیرد و از ویژگی‌ها و پیامدهای آن شدیداً تأثیر می‌پذیرد. در چنین فضایی تدوین استراتژی و برنامه توسعه اقتصادی مناسب برای کشورهای در حال رشد، مستلزم دریافت و شناخت این هویت و تحولات ژئواکونومیک جدید است.

شخص‌های لازم برای ورود به چنین رقابت ژئواکونومیکی پیرویی از قواعد مورد نظر نولیبرال‌های بازار آزاد و باز کردن دروازه‌های اقتصادی به همراه رقابت‌پذیری و شفافیت اقتصادی است. این امر به سرمایه‌گذاری، تولید انبوه، پیشرفت تکنولوژی و سپس

صادرات بالا منجر خواهد شد. ژئواکونومسی می‌خواهد با توان دولت‌ها میان ملت‌ها و صاحبان منابع ارتباطات معلوم و منطقی فراهم کند. این امر مهمی است که کشورهای نفتی منطقه خلیج‌فارس نیز نباید از آن دوری کنند. جهانی شدن اقتصاد اکنون از مهم‌ترین ابزارها برای ایجاد و تقویت مناطق ژئواکونومی در جهان، با ایجاد تسهیلات لازم برای سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت در جهان است. امری که کشورها برای دست یافتن به اقتصاد قوی و افزایش جایگاه خود در معادلات جهانی به آن روی آورده‌اند. کشورهای حوزه خلیج‌فارس با توجه به آمارهای ارائه‌شده راهی طولانی برای رسیدن به این اهداف در پیش دارند که به نظر می‌رسد اولین و فوری‌ترین هدف کاهش حجم فعالیت‌ها و اقدامات دولت‌های منطقه در عرصه اقتصاد و نه مسؤولیت آن، افزایش کارآمدی به همراه گسترش فضای خصوصی است؛ تجربه‌ای که مناطق ژئواکونومیک جهان برای دست یافتن به آن انجام داده‌اند. طبعاً این صرفاً به معنای کاهش نقش دولت نیست بلکه به معنای مدیریت و ساماندهی تودوم بازار به منظور تقویت بازار و گسترش تولید و ایجاد بستر مناسب برای رقابت بخش خصوصی است. عملکرد دولت‌ها در منطقه خلیج‌فارس به‌رغم دارا بودن منابع انرژی و جایگاه مهم ژئوپلیتیکی، چندان رضایتبخش نبوده است و این منطقه از جایگاه ژئواکونومیک مناسبی در اقتصاد جهانی برخوردار نیست و آمارها به ما نشان می‌دهد کار‌های بسیار زیادی باید در این راستا به منظور بازتعریف تعامل با جهانی شدن اقتصاد صورت گیرد. این یک الزام به منظور باز کردن راه توسعه با اتخاذ سیاست‌های رونگرای در راستای تعامل مثبت با اقتصاد جهانی است.ضعف‌های عملکردی و ناتوانی در تعامل و بهره‌گیری از اقتصاد جهانی به‌رغم داشتن موقعیت ژئوپلیتیک و منابع انرژی این منطقه ورود کشورهای آن به عرصه رقابت‌های ژئواکونومیکی را در عرصه جهانی با مشکل مواجه کرده است. مجموعه ارزش‌های خلیج‌فارس قدرت‌های جهانی را چه در گذشته و چه امروز، متوجه آن کرده است، زیرا تسلط بر تمام هر یک از موارد گفته‌شده، موازنه استراتژیک و قدرت را در جهان تغییر می‌دهد. به زبان دیگر منطقه خلیج‌فارس از پتانسیل خوب برای تبدیل شدن به یک منطقه ژئواکونومیکی برخوردار است اما رفتارهای اقتصادی و سیاسی و عملکردی دولت‌های منطقه مانع تحقق چنین واقعیت اقتصادی –سیاسی‌ای بوده است. منطقه خلیج‌فارس در معادلات جهانی اقتصادی سهم ناچیزی را متناسب با موقعیت ژئوپولیتیک خود در دست دارد که عمدتاً مربوط به فروش انرژی است. عملکرد ضعیف، واگراییانه و پراکنده کشورهای حوزه خلیج‌فارس آنها را کورس رقابت‌های ژئواکونومیکی جهانی و قدرت یافتن اقتصادی باز داشته است و این امر مهم‌ترین دلیل برای دخالت و حضور بیگانگان در این منطقه و تبدیل آن به یک منطقه تأمین انرژی است که آن را به عرصه رقابت‌های استراتژیک قدرت‌های بزرگ مبدل کرده است.فرآیند جهانی شدن مهم‌ترین ابزار و مناسب‌ترین فرصت برای دستیابی کشورهای این منطقه



رهیافتی از گسترش تعاملات هندوستان با جمهوری اسلامی ایران

است. با توجه به ملاحظات موجود، هندوستان درصدد است در جهت تأمین امنیت ملی خویش بویژه در حوزه انرژی، روابط استراتژیک خود را با کشورهای حوزه خلیج‌فارس گسترش دهد و حضور مؤثر در عرصه ژئواکونومیک جهانی خود را از حالت دوگانگی و سردرگمی اقتصادی نجات دهند. یعنی ذخایر عظیم انرژی خود را در راستای توان ملی و منطقه‌ای و تقویت موقعیت ژئواکونومیکی خود قرار دهند تا نه‌تنها حضور و دخالت بیگانگان در منطقه کم شود بلکه کشورها در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گیرند و به جرأت می‌توان گفت منطقه خلیج‌فارس و کشورهای پیرامون آن در صورت اتصال به اقتصاد و تجارت جهانی با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی، ارتباطی و معدنی توانایی ایجاد یک منطقه ژئواکونومیکی نوین را داراست که در اثر تباط، همراهی و هماهنگی با ۳ منطقه ژئواکونومیکی پیش‌گفته می‌تواند به شکوفایی و بالندگی قابل توجهی دست یابد و به‌عنوان یک‌نمادژئواکونومیکی در جهان در حال توسعه مطرح شود.

■ **وضعیت منابع انرژی خلیج فارس**

خلیج‌فارس با داشته ۷۵۰ میلیارد بشکه ذخیره نفت که تقریباً ۶۰ درصد ذخایر شناخته‌شده جهان را تشکیل می‌دهد، بزرگ‌ترین مخزن نفتی جهان است. به‌رغم تلاش‌های انجام‌شده برای جانشین کردن انواع دیگر انرژی، تولید و حمل و نقل نفت و فرآورده‌های نفتی به لحاظ اقتصادی باصرفه‌تر است و با گذشت سال‌ها تلاش، نفت همچنان اولین و مهم‌ترین انرژی مصرفی جهان است؛ براساس آمار و ارقام مربوط به پیش‌بینی انرژی‌های مصرفی جهان در آینده، باز هم نفت و گاز در رتبه اول انرژی‌های مصرفی بشر قرار خواهد گرفت؛ پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد وابستگی جهان به نفت رو به افزایش است و از ۸۵/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ و ۹۱ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۵ به ۱۰۵/۵ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. منطقه خلیج‌فارس با تولید روزانه ۱۸۲ درصد نفت، ۲۹/۴ درصد منابع نفت جهانی را تولید می‌کند؛ پیش‌بینی می‌شود تولید نفت این منطقه به ۲۶ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۵، نزدیک به ۳۰ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۰ و ۳۸ میلیون بشکه در سال ۲۰۳۰ برسد.در این صورت سهم خلیج‌فارس از تولید نفت جهان در سال ۲۰۳۰، به بیش از ۳۳درصد خواهد رسید. حدود نیمی از ۲۰ بندر تجاری صادرات نفت جهان در خلیج‌فارس قرار دارد و تقریباً ۹۲درصد نفت صادرشده از منطقه، از تنگه هرمز عبور می‌کند. همچنین بخشی از صادرات نفت این منطقه از طریق خط لوله انتقال می‌یابد. بروز جنگ در منطقه خلیج‌فارس و نگرانی‌های دنیای غرب و کشورهای صادرکننده نفت منطقه از بسته شدن تنگه‌هرمز و ممانعت از انتقال نفت این منطقه باعث شد شبکه‌های خطوط لوله نفت از خلیج‌فارس در دریای مدیترانه و دریای سرخ توسعه یابد تا اندکی از اهمیت تنگه هرمز کاسته شود؛ ظرفیت پیش‌بینی‌شده صادرات نفت از طریق خطوط موجود و خطوط در دست احداث حدود ۱۱/۴۵ میلیون بشکه در روز است که با بهره‌برداری از کل این ظرفیت، در صورتی که بحرانی در مسیرهای خط لوله موجود نباشد، نقش تنگه هرمز به حداقل کاهش خواهد یافت بویژه اگر وضع در تنگه هرمز بحرانی باشد. منطقه خلیج‌فارس از حیث ذخایر گاز نیز غنی است، حجم ذخیره گاز ثابت‌شده منطقه حدود ۴۰درصد از ذخایر گاز جهان را شامل می‌شود. ذخایر گاز نه‌تنها پاسخگوی نیاز توسعه صنعتی و رفاه اجتماعی منطقه است، بلکه در صادرات گاز جهان نیز نقش مهمی خواهد داشت. اقتصاد کشورهای منطقه خلیج‌فارس عموماً به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز وابسته است؛ عراق، عربستان و ایران با بیش از ۸۰درصد صادرات نفت، بیشترین وابستگی را به این انرژی دارند. درآمدهای حاصل از نفت توجه جهان سرمایه‌داری و صنعتی را به این منطقه جلب کرده است و شرکت‌های تولیدی و تجاری بین‌المللی برای گسترش حوزه نفوذ و رقابت‌شان در منطقه می‌کوشند.

■ **هند و خلیج‌فارس**

به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای در حال توسعه، در سال‌های اخیر در تلاش بوده تا نقش مهم‌تری برای تأمین منابع ملی و حفظ امنیت ملی خویش در ۲ عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند. در این میسان، یکی از مهم‌ترین و نزدیک‌ترین مناطق دارای اهمیت در بحث امنیت منطقه‌ای هند، منطقه خلیج‌فارس

دهه ۱۹۹۰ تاکنون به‌رغم اشتراکات اندک فرهنگی و سیاسی چین در این منطقه و شباهت‌های بیشتر فرهنگ هندی با منطقه خلیج‌فارس و حضور بزرگ‌ترین اقلیت مسلمانان جهان در هند، در این باره برای اتصال و پیوند به این منطقه در سال‌های اخیر تلاش و تکاپوی دیپلماتیک پیگیرانه، رقابتی، شفاف و درخور توجهی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس داشته است. از آنجا که هند در تلاش است نیاز انرژی خود را به سمت بهره‌گیری از منابع گاز طبیعی سوق دهد، کشورهای حوزه خلیج‌فارس نقش مهمی در پیگیری این سیاست برعهده دارند. در سال‌های اخیر، قطر تنها تأمین‌کننده مهم گاز طبیعی هند محسوب می‌شود. این کشور قراردادی ۲۵ ساله با هند برای تأمین ۵ میلیون تن گاز طبیعی مایع، منعقد کرده است که اکثر نیاز هند به گاز طبیعی را در حال حاضر تأمین می‌کند. علاوه بر این، سپتامبر سال ۲۰۰۶ شرکت پترونت هند توافقنامه‌ای ۲/۵ میلیون تنی را با شرکت راس گاز قطر امضا کرد که از ژوئن سال ۲۰۰۹، صادرات گاز طبیعی این کشور به هند آغاز شد. یکی از اقداماتی که هندی‌ها در سال‌های اخیر در روابط دیپلماتیک خود با کشورهای حوزه جنوبی خلیج‌فارس انجام داده‌اند، ارتقای روابط شخصی دولتمردان هندی با سران کشورهای حوزه خلیج‌فارس در جهت افزایش روابط امنیتی میان آنها بوده است. به همین دلیل در سال‌های اخیر، ملاقات مقامات سطح بالای هندی با کشورهای حوزه خلیج‌فارس بویژه امارات عربی متحده، بحرین و قطر بشدت افزایش یافته است. علاوه بر این، کشتی‌های هندی مرتباً در خلیج‌فارس حضور دارند. از جمله ۲ ناو هندی در سال ۲۰۰۶ در یک بندر عمانی به منظور انتقال اتباع هندی در پی جنگ لبنان پهلو گرفت. حضور پررنگ و دائمی نیروها و کشتی‌های هندی در آب‌های خلیج‌فارس، به دلیل رقابت با پاکستان در خلیج‌فارس است. علاوه بر این، هند در پی آن است تا همواره چند گزینه مناسب را برای شرایط بحرانی در این منطقه، برای خود حفظ کند. مبارزه با تروریسم، یکی دیگر از مهم‌ترین منافع هند در خلیج‌فارس است. خطر حملات تروریستی به منابع نفتی در خلیج‌فارس، اعم از تأسیسات تولید، توزیع و تخلیه تانکرها و جایگاه‌ها، برای حمله به منافع ایالات متحده در این منطقه محسوس و قابل لمس است و این امر دقیقاً منافع هند را نیز در این منطقه بشدت به خطر می‌اندازد. این نگرانی زمانی عمیق‌تر می‌شود که به این نکته توجه کنیم که بیش از ۹۰درصد توانایی سازمان‌های تروریستی در انجام حملات تروریستی، در نزدیکی مرزهای غربی هند واقع شده و حدود ۹۰درصد از این حملات موفق تروریستی در زمین منطقه رخ داده است. این تهدیدات مشترک، نیاز هند و کشورهای حوزه خلیج‌فارس را به تقویت مناسبات و همکاری علیه تروریسم، تشدید کرده است. در همین راستا، فور به سال ۲۰۰۵، عربستان سعودی به همراه هند ۵ عضو دیگر شورای همکاری خلیج‌فارس، کنفرانس بین‌المللی مبارزه علیه تروریسم را برگزار کردند که ۵۰ کشور دیگر نیز در آن حضور داشتند. طی آن عربستان سعودی پیشنهاد تشکیل یک مرکز بین‌المللی مبارزه علیه تروریسم (ICC) را ارائه داد.

■ **ایران و امنیت انرژی هند**

ایران به دلیل داشتن منابع غنی نفت و گاز و همچنین قرابت ژئوپلیتیک با هند، ظرفیت تبدیل شدن به یک شریک انرژی مطمئن برای این کشور را دارد و در حال حاضر، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری دو کشور ایران و هند، همکاری‌های انرژی برای تولید انرژی، زیرساخت‌های انرژی و گاز طبیعی است. در زمینه نفت خام، واردات نفت هند از ایران، در سال مالی (۲۰۰۹–۲۰۰۸)، روزانه ۴۲۶ هزار و ۲۶۰ بشکه نفت بود که نسبت به سال مالی قبل از آن، ۹/۵ درصد افزایش یافته است. ایران دومین عرضه‌کننده بزرگ نفت به هند به شمار می‌رود. در عوض هند بیشترین حجم بنزین و گازوئیل وارداتی ایران را تأمین می‌کند. از نظر سرمایه‌گذاری نیز، شرکت‌های O.N.G.C.I و اویل ایندیا، برای سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد دلاری به منظور توسعه ذخایر گازی بلوک‌فارسی ایران در حال گفت‌وگو هستند. همچنین مذاکرات اوان‌جی‌سی و شرکت هندوجا نیز برای ایفای نقش در توسعه میدان نفتی آزادگان و خرید گاز از پارس جنوبی ادامه دارد. اوان‌جی‌سی برای توسعه ذخایر نفت و گاز خیز نیز در حال مذاکره با ایران است. در مجموع می‌توان چنین ادعا کرد که همکاری‌های انرژی ایران و هند بویژه در بخش نفت و گاز، در واقع وسیع‌ترین حوزه هم‌تکمیلی اقتصادی ایران و هند است. ایران برای تأمین منابع مالی برنامه‌های توسعه ملی، نیاز به یافتن بازارهای قابل اتکا و مناسب برای منابع نفت و بویژه گاز خود دارد. هند نیز یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان است از این رو رابطه با ایران برایش اهمیت بسیار بالایی دارد اما از سویی به دلیل حجم بالای مبادلات تجاری‌اش با ایالات متحده در مقایسه با ایران همواره سیاستی زیرکانه اتخاذ کرده است که نمونه آن سیاست‌های این کشور در قبال برنامه هسته‌ای ایران از یک سو و خط لوله صلح و خرید گاز از ایران، از سوی دیگر است که بشدت تحت تأثیر فشارهای آمریکاست.

■ **فرجام سخن**

منطقه خلیج‌فارس به‌عنوان یک سیستم ناهماهنگ دارای ساختار ژئوپلیتیکی (عوامل، محیط جغرافیایی و روابطی که میان عوامل یک کل وجود دارد و جوهره آن قدرت است) و به تبع آن کارکرد ناهماهنگی است که به‌رغم وجود سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به وحدت نظر از حیث اقتصادی، امنیتی و سیاسی و… نرسیده که باعث شده در طول تاریخ بستر بی‌نظمی‌ها و جولان دادن قدرت‌های برتر در این منطقه باشد. طبق نظریه ساختار ژئوپلیتیکی «کوهن» مناطق ژئواستراتژیک بری (چین) و منطقه ژئوپلیتیکی مستقل (هند) از دیرباز منافع و تهدیدات در گیر به هم از دید ژئوپلیتیک منطقه‌ای داشته‌اند. در این بین قدرت‌های نوظهوری چون چین و هند در حال حاضر منافع اقتصادی – امنیتی خود را در منطقه خلیج‌فارس دنبال می‌کنند. تغییر توزیع قدرت جهانی به سمت شرق را می‌توان در ظهور هندوستان به‌عنوان یکی از دو کشور پرجمعیت جهانی در کشور که دید، یعنی یکی از دو کشور پرجمعیت جهانی در کشور که سوادهای بسیاری در عرصه جهانی در سر دارد. هندوستان اکنون بستری پیچیده از حکومت دموکراتیک، بی‌عدالتی اجتماعی گسترده، بویابی اقتصادی و فساد سیاسی در ابعاد وسیع است. در نتیجه، ظهور آن به‌عنوان یک قدرت سیاسی در عرصه جهانی تحت‌الشعاع حضور چین است. چشم‌انداز استراتژیک حاصل‌بلهه نخبان سیاسی هند، به دنبال یافتن جای پای محکم در این منطقه و مستحکم‌تر کردن جایگاه برتر منطقه‌ای این کشور است.

■ **پژوهشگر حوزه جغرافیای سیاسی**